



Beneficial Use of Writings and Lifestyle of "Allameh Hassanzadeh Amoli" in the Purity of the Soul and Health of the Body: An Exploitation Approach

Mohammad Rabbani Khorasgani^{1*}, Sayyid Bagher Sayyid Nejad²

- 1- Department of Cell and Molecular Biology & Microbiology, Faculty of Biological Science & Technology, University of Isfahan, Isfahan, Iran
- 2- Faculty of Education & Islamic Thought, University of Tehran, Tehran, Iran

***Corresponding Author:**

Mohammad Rabbani Khorasgani
Department of Cell and Molecular Biology & Microbiology, Faculty of Biological Science & Technology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Email:

m.rabbani@biol.ui.ac.ir

Abstract

Reflection on the dimensions of human existence has a long history; however, this field has diverse opinions. Emphasizing the relationship between the perfection of the soul and the perfection of the body in the view of Allameh Hassanzadeh Amoli, this research would analyze the writings and lifestyle of this knowledgeable Islam expert in the health promotion field. In some works of this great Islamic expert, physical health and its branches, medicine and its situation, and medical responsibilities have been taken into consideration: "Medicine and the doctor and anatomy", "A speech about medical ethics and dissection from the point of view of Islamic scholars", "Description of the treatise on the relationship between science and religion" were among these cases. His perception of the body as a lower order of the soul, emphasizing the connection between the soul and physical health, would open new horizons of medical knowledge.

Important lessons can be learned from Ayatoollah's lifestyle in physical health. Health is an essential category of comprehensive categories in the works of Allameh Hassanzadeh Amoli. He believes medicine means the medicine of the body and soul and the treatment of both. All in all, it seems that his scientific works and personal lifestyle would be regarded as valuable sources for beneficial findings for the promotion of soul and body situation.

Keywords: Health, Soul purity, Body purity, Medicine, Hassanzadeh Amoli

► **Citation:** Rabbani Khorasgani M, Sayyid Nejad SB. Beneficial Use of Writings and Lifestyle of "Allameh Hassanzadeh Amoli" in the Purity of the Soul and Health of the Body: An Exploitation Approach. Religion and Health, 2023; Specail Issue Allameh Hassanzadeh Amoli 11-19 (Persian).



بهره گیری از آثار و سبک زندگی علامه حسن زاده آملی در طهارت نفس و سلامت بدن؛ رویکرد اکتشافی

محمد ربانی خوراسگانی^{۱*}، سید باقر سیدنژاد^۲

چکیده

تأمل در ابعاد وجودی انسان پیشینه‌ای دیرینه دارد. در میان این تأملات، رابطه‌ی نفس و بدن همواره از بحث‌انگیزترین آن‌ها بوده است؛ به گونه‌ای که شاید در کمتر مسئله‌ای تا بدین حد، افراط و تفریط شده باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و از نقطه‌ی عزیمت‌های مهمی، همچون رابطه‌ی «استکمال نفس ناطقه» با «کمال بدن» در بینش علامه حسن زاده آملی، در پی آن است که آثار و سبک زندگی این اسلام‌شناس جامع‌نگر و ذوفنون در موضوع تأمین سلامت نفس و بدن را از منظر ارتباط آن با دانش روز و رهاوردهای آن بررسی و ارزیابی کند. در همین راستا، علاوه بر آثار نفس‌شناسی علامه، به برخی از آثار این دانشمند بزرگ اسلامی درباره‌ی سلامت بدن و برخی فروع آن، نظیر طب و طبابت، جایگاه و مسئولیت آن، از قبیل «سخنی در باب اخلاق پزشکی و علم تشریح از منظر علمای اسلامی، طب و طبیب و تشریح، تصحیح طب‌الائمه و مقالات مرتبط» توجه شده است. این آثار در مجموع نشان می‌دهند که سلامت در منظومه‌ی فکری علامه حسن زاده آملی، مقوله‌ی مهمی از مقولات جامع علمی و سعادت انسانی است؛ همچنان که سلوک و سبک زندگی شخصی آن عالم عاملی برای طالبان حقیقت در این عرصه، درس آموز و راهگشا ارزیابی می‌شود. در نتیجه گیری نهایی، تقریر و تبیین علامه از «بدن» به عنوان «مرتب‌ی نازله‌ی نفس» به مثابه‌ی امر وجودی و مفهوم پایه تلقی شده که ملاحظه‌ی آن در تأملات و نظام فکری علامه، کاشف آن است که نسبت نفس و بدن و الگوی پزشکی آن تابع رویکردها و الگوهای معروف در طول تاریخ بشر نیست، بلکه در این پارادایم، طب به معنای «پزشکی جسم و روح» و درمان هر دو تعریف شده و به مثابه‌ی رهیافت نو و تحصیل سعادت انسان محسوب می‌شود. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که تأکید علامه بر ارتباط «روح و استکمال نفس ناطقه» با «سلامت بدن»، ضمن افق‌گشایی، به غنا و تازه‌گردانی دانش پزشکی کمک شایانی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سلامت، طهارت نفس، طهارت بدن، پزشکی، حسن زاده آملی

۱. استاد، گروه آموزشی سلولی‌مولکولی و میکروبیولوژی، دانشکده‌ی علوم و فناوری‌های زیستی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. استادیار، گروه آموزشی انقلاب اسلامی و اندیشه‌ی سیاسی، دانشکده‌ی معارف و اندیشه‌ی اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

* مؤلف مسئول:

محمد ربانی خوراسگانی
گروه آموزشی سلولی‌مولکولی و میکروبیولوژی، دانشکده‌ی علوم و فناوری‌های زیستی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Email: m.rabbani@biol.ui.ac.ir

◀ **استناد:** ربانی خوراسگانی، محمدربانی، سیدنژاد، سیدباقر. بهره گیری از آثار و سبک زندگی علامه حسن زاده آملی در طهارت نفس و سلامت بدن؛ رویکرد اکتشافی. دین و سلامت، ویژه نامه علامه حسن زاده آملی ۱۹-۱۱ (فارسی).

مقدمه

۱. بیان مسئله

مکتب آسمانی اسلام در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله خود، این افتخار را داشته است که در تربیت انسان بر اساس نسخه‌ی حیات‌بخش آفریدگار هستی به ارائه‌ی دستورالعمل اکتفا نکند، بلکه همواره الگوهای دست‌یافتنی و تحقق‌پذیری را برای بشر ارائه کرده است. هرچند الگوهای والای بشری انبیای عظام و امامان معصوم صلوات‌الله‌علیهم هستند، علمای ربّانی به‌عنوان میراث‌داران انبیا الگوهایی در مراتب نازل‌تر هستند که برای انسان‌ها نمودهای مجسم تعلیم و تربیت بر مبنای دستورات الهی محسوب می‌شوند. آیت الله حسن‌زاده آملی به‌عنوان عارف، حکیم و دانشمند، حامل بسیاری از علوم امروز و دیروز و عامل به دستورات دینی از درخشش‌های استثنایی قرن اخیر است که آثارش منبع کم‌نظیری برای طالبان حقیقت است. این مقاله در پی آن است که در حد وسع زمانی و بضاعت علمی نگارندگان، آثار و سبک زندگی این اسلام‌شناس جامع‌نگر و ذوفنون در موضوع تأمین سلامت نفس و بدن را از نقطه‌ی عزیمتی پیگیری کند که با دانش روز از پزشکی و پارادایم حاکم، ارتباط معنابخش و تجدیدکننده‌ای پیدا کند. نقطه‌ی عزیمت این بحث معرفت نفس است که از مباحث سهل و ممتنع و به‌غایت پیچیده‌ی نظری در تاریخ مطالعات انسانی است. در این میان، ارتباط نفس و بدن در این مقاله، به وجوه فلسفی آن تقلیل نیافته است، بلکه هرگونه موضع در این باره، مآلاً در خروجی دانش پزشکی و رویکرد آن مؤثر ارزیابی می‌شود؛ یعنی نفس‌شناسی علاوه بر اینکه معرفت نوع هستی‌شناسی و متضمن پایه‌ای دربارهی همه‌ی مباحث شناخت‌شناسی است، چشم‌اندازی از نظامی ارزشی، علمی و پزشکی ارائه می‌کند. این موضوع عطف به تأملات و آثار علامه حسن‌زاده آملی، به‌شیوه‌ی تحلیلی از نوع کشفی، موضوع پژوهش حاضر است. این مسئله از طریق پرسش‌هایی از این دست پیگیری می‌شود که نفس و بدن در نگاه علامه

چه نسبت و رابطه‌ای با یکدیگر دارند. پیگیری این مسائل ابعاد سلامت‌شناسی دارد؛ به‌خصوص که علامه رابطه‌ی نفس و بدن و تأثیرات متقابل آن دو را به‌نحو دیالکتیکی تبیین کرده‌اند و نشان می‌دهند که نفس با چه پیچیدگی‌هایی در مسیر استکمال، چه فرایندی را در ارتباط با بدن طی می‌کند. تلاش برای بررسی آرای علامه حسن‌زاده آملی از این جهت اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند که ایشان با وقوف کامل به ابعاد مهم و پیچیده‌ی نفس‌شناسی، تمرکز و تأملات ویژه‌ای در این باره دارند. به‌طوری که نه‌تنها موضوعیت انتولوژیک نفس در هرم هستی‌شناسی و نیز در گرایش معرفتی و سلوکی ایشان قابل تردید نیست، بلکه با درنظرگرفتن «معرفت نفس» به‌مثابه‌ی هسته‌ی مرکزی تمام آثار ایشان، می‌توان گفت که به‌لحاظ نظری و عمق مطالب، علامه یکی از چهره‌های پرفروغ در عرصه‌ی نفس‌شناسی و از اندیشمندان بزرگ علم‌النفس در جهان است. از این رو، به نظر می‌رسد که بررسی آرای ایشان از جهت دلالت‌های سلامت‌محور و مرتبط با پزشکی، علاوه بر بدیع‌بودن، چشم‌انداز جدیدی را برای دانش پزشکی ترسیم کند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

به نظر می‌رسد که این رویکرد در صورت تفصیل و پیوسته‌های تحقیقی بیشتر، به غنای دانش پزشکی بیفزاید و در رویکردی هم‌افزاینده، نشان خواهد داد به‌میزانی که طهارت نفس بهبود یابد، می‌توان سلامتی پایدارتری را از جهان انتظار داشت و بالعکس. تجربه‌ی کنونی زیست جهان مملو از خلأها و شکاف‌هایی است که ضرورت تازه‌گردانی آن رهنمون پارادایم جدیدی بر اساس میراث علمی است که امثال علامه‌ی بابصیرت آن را مخلصانه در اختیار بشر گذاشته‌اند.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت

وادی نامتناهی نفس انسانی را محل رجوع قرار دهد (۲). علامه‌ی انسان‌شناس با تألیف کتاب *شرح العیون فی شرح العیون* به زبان عربی کوشید که آرای بزرگان حکمت و عرفان در شناختِ نفس را جمع‌آوری و تحلیل کند (۳ و ۲). در دروس شرح اشارات و تنبیهات مشتمل بر شرح فلسفی و عرفانی هفت نمط اشارات عبارات ابن‌سینا را شرح کرده و سپس، رهیافتی جدید بر پایه‌ی حکمت متعالی بر آن افزوده بود. ایشان در کتاب *یک صدوینجاه* درس اثر دیگری مشتمل بر «معرفت نفس» به‌ویژه در رابطه با مراحل آغازین معرفت نفس ارائه می‌کند. وی انسان را جامع‌ترین دفتر غیب و شهود و کامل‌ترین مظهر واجب‌الوجود می‌داند. از همین رو، معرفت نفس را اصلی‌ترین و ضروری‌ترین معرفت معرفی می‌کند. همه‌ی خیرات و سعادات را در این معرفت جست‌وجو می‌کند و در تعبیری عنوان می‌کند هرکس «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» را درست فهم کند، جمیع مسائل اصیل فلسفی و مطالب قویم حکمت متعالی و حقایق عرفانی را از آن استنباط تواند کرد؛ لذا ایشان معرفت نفس را مفتاح خزائن ملکوت عنوان فرمود. توصیه‌ی علمی و عملی مرحوم حسن‌زاده آملی به هر انسانی این است که کتاب وجود خودتان را مطالعه کنید و آن را فهمیده ورق بزنید و خودتان را فراموش نکنید (۲).

۲. رابطه‌ی نفس و بدن در نفس‌شناسی علامه و دلالت‌های پزشکی آن

تبیین رابطه‌ی نفس و بدن نه‌تنها به‌عنوان مسئله‌ای غامض در گذشته، بلکه یکی از دشواری‌های معرفتی و محوری در دوران معاصر و احیاناً دوگانه‌انگاری جوهری در فلسفه‌ی ذهن (Philosophy of mind) است. در واقع، یکی از علل این مسئله به ریشه‌های تفکر دوگانه در نسبت‌سنجی ارتباط نفس و بدن بازمی‌گردد که فلسفه‌ی دکارت از سرآغازهای مدرن آن است. دکارت با ادعای قطعیت و یقین در این باره، ثنویتی از نفس و بدن به‌عنوان «دو جوهر جداگانه‌ی انسانی» (Substantial Dualism) ارائه می‌کند که «حقیقت انسان» را تشکیل

مطالعات کتابخانه‌ای با استفاده از کتب چاپ‌شده‌ی در دسترس و مطلب منتشرشده در پایگاه‌های معتبر در فضای مجازی انجام شد و پس از منظم‌سازی و دسته‌بندی مطالب گردآوری‌شده و ارزیابی و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها با روش توصیفی‌تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی، یافته‌های زیر حاصل شده است.

یافته‌ها

۱. انسان‌شناسی در نظام فکری علامه حسن‌زاده

آملی با تأکید بر جنبه‌ی انتولوژیک نفس

با نگاهی ولو اجمالی به آثار گسترده‌ی علامه حسن‌زاده آملی می‌توان دریافت که وجه مشترک اغلب آن‌ها پرداختن عمیق به ساحت وجودی انسان و ابعاد مختلف آن است؛ لذا «معرفه النفس» را که به بیان امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام، انفع‌المعارف است (۱)، می‌توان حلقه‌ی مرکزی آثار ایشان به حساب آورد. بی‌تردید، علامه از سرآمدان نفس‌شناسی در تاریخ معاصر است، با این مشخصه که انسان‌شناسی ایشان با مرتبه‌ای والا در مطالعات انسان‌شناسی، از صبغه‌ی دینی و عرفانی عمیقی بهره‌مند است؛ به‌طوری که رابطه‌ی تکوینی آن با خدای متعال، رابطه‌ای از نوع فقر ذاتی و در عین حال، عاشقانه است. این انسان‌شناسی به‌طور خاص در نفس‌شناسی ایشان تجلی پیدا کرده است و در این میان، وجه ممتاز و متمایز این نفس‌شناسی در رابطه‌ی جالبی است که علامه بین نفس و بدن برقرار می‌کند؛ به‌طوری که در نتیجه‌ی آن، علامه حسن‌زاده آملی نحوی از استکمال نفس انسانی را دنبال می‌کنند که بدن یکی از عوامل این استکمال است. حضرت استاد غالبِ مباحث را به‌مثابه‌ی اموری می‌بیند که به تکامل نفس انسانی مدد برساند. در شرح بسیاری از مباحث فلسفی، قرآنی، روایی و تاریخی، پای شناخت نفس را به میان می‌آورد و آن‌ها را در پیوند با معرفتِ نفس تفسیر می‌کرد. وی می‌کوشید تا مخاطب را از قفس تنگ ذهن و مفاهیم انباشته در آن، بیرون آورد و



نازلهٌ لِلنَّفْسِ»، تأکید می‌کنند که: «بدن، مرتبه‌ی نازله‌ی نفس می‌باشد و نفس تمام بدن است و بدن تجسّد و تجسّم روح و صورتش و مظهرش و مظهر کمالات و قوای آن است در عالم، بدون اینکه طرفین نسبت به هم تجافی داشته باشند (أَنَّ الْبَدْنَ مَرْتَبَةٌ نَازِلَةٌ لِلنَّفْسِ وَالنَّفْسُ تَمَامُ الْبَدَنِ وَ الْبَدَنُ تَجَسُّدُ الرُّوحِ وَ تَجَسُّمُهُ وَصُورَتُهُ وَ مَظْهَرُهُ وَ مَظْهَرُ كَمَالَاتِهِ قُوَاهُ فِي عَالَمِ الشَّهَادَةِ بِلَا تَجَافٍ مِنَ الْطَّرْفَيْنِ)» (۳).

ایشان معتقد بود که حقیقت انسانی یک صورت روحانی دارد و یک صورت جسمانی. صورت جسمانی آن حاکی از مرتبه‌ی نازله‌ی صورت روحانی اوست و بسی فراتر از جسم مادی است. این هویت انسانی استعداد و قوه‌هایی دارد که می‌تواند پرورش یابد و به اصل خویش بازگردد. مرحوم حسن زاده آملی استدلال می‌کند که انسان حقیقتی ممتد از فرش تا به عرش است. مرتبه‌ی نازل او بدن اوست. علامه با اشاره به رهاوردهای «حکمت متعالیه»، در تعبیری این‌گونه عنوان می‌کرد که: «نفس انسانی حدوداً جسمانی است و بقائاً روحانی»؛ یعنی در ماده‌ی منی قوه‌ای منطبع است که متدرجاً اشتداد وجودی می‌یابد و موجودی می‌گردد که امتداد وجودی او از زمین ماده و جسمانیت تا آسمان روح و عقلیات را شامل می‌شود (۷۰۶). بدین ترتیب، با ازمیان رفتن تنافی بین دوگانگی و وحدت، الگوی اصیلی از دانش پزشکی ارائه می‌شود که به‌نحو دیالکتیک، تأثیر و تأثر متقابل نفس و بدن را در بستر حل‌شده‌ای از رابطه‌ی نفس و بدن نشان می‌دهد. در واقع، «حکمت متعالیه» برای نخستین بار در تاریخ، مشکل انباشته‌ی فلسفی مربوط به کیفیت رابطه‌ی نفس و بدن را با جسمانیت الحدوث و روحانیه البقا حل کرد. پیش از این، هیچ تبیین اصیل و واقعاً حل‌کننده‌ای برای تنافی و ناسازگاری نفس و بدن وجود نداشته است. با رفع این معضل و مهم‌تر از آن، در وجه ایجابی با اثبات ارتباط تنگاتنگ وجودی بین نفس و بدن، الگوی جدیدی از پزشکی فراروی ماست. این الگو، با تأکید بر استکمال نفس انسان به‌عنوان غایت امر حیات انسانی، بدن را از عوامل استکمال نفس می‌شمارد. علامه

می‌دهد، با این تفاوت که در این ثنویت حل‌ناشدنی، ویژگی جوهر مادی (جسم) امتداد کمی است؛ بر این اساس که «من واقعاً از بدنم متمایزم و می‌توانم بدون آن موجود باشم» (۴). نهادینه‌شدن چنین رویکرد فلسفی یا ثنویت‌اندیشی ماهیت یا حدّ دانش پزشکی مدرن و ارتباط ضعیف آن با علم‌النفس را تعریف می‌کند اگر نگوییم که تا حد زیادی، تأثیرات حقیقت نفس بر بدن را نادیده می‌گیرد. در چنین چشم‌اندازی، ربط معنابخش دانش پزشکی با نفس به‌اندازه‌ای تلقی شده که از نفس‌شناسی ارائه شده است و نه بیشتر. به همین دلیل، به‌عنوان مثال، طهارت نفس چندان دخلی یا موضوعیتی در دانش پزشکی مدرن نداشته است. الگوی فوق را می‌توان در برابر الگویی قرار داد که با انکار وجود نفس، تأکید داشتند که در ساخت انسان چیزی جز عنصر بدن و عناصر مادی وجود ندارد.

به نظر می‌رسد که اساساً نفس‌شناسی و طرح رابطه‌ی نفس و بدن متضمن وجود دو ساحت در آدمی است و به همین دلیل، علامه با مطالعه‌ی پیشینه‌ی مباحث، به‌ویژه از منظر قرآن و برهان و عرفان، به هر دو ساحت وجودی پرداخته است. تأملات علامه حسن زاده آملی به پشتوانه‌ی اسلاف فلسفی‌اش در حکمت متعالی و عرفان اسلامی، الگوی متمایز و چشم‌انداز جدیدی را ترسیم می‌کند که بررسی تأثیرات آن در رویکردهای پزشکی و خلق رهیافت‌های نو، نیازمند مطالعات جدی است. دقت در تأملات و نظام فکری علامه در نفس‌شناسی نشان می‌دهد که نسبت نفس و بدن و الگوی پزشکی آن تابع رویکردها و الگوهای معروف در طول تاریخ بشر نیست؛ یعنی رابطه‌ی نفس و بدن نه از نوع رابطه‌ی تباین کلی بین نفس و بدن (الگوی دوگانه‌گرایی رادیکال) است، نه رابطه‌ی نفس و بدن از نوع رابطه‌ی مرغ و قفس است و نه رابطه‌ی آن‌ها از نوع وحدت نفس و بدن (الگوی یگانه‌گرایی نفس و بدن) است. علامه حسن زاده آملی در تبیین نظریه‌ی مدنظر، عنوان مستقلی به توضیح رابطه‌ی نفس و بدن اختصاص داده‌اند و در یکی از آثار مهمشان در نفس‌شناسی، یعنی *سرح العیون فی شرح العیون*، تحت عنوان «عین فی أنّ البدن، مرتبه»



نشان می‌دهد که طهارت نفس و حتی تلاش برای تحصیل آن، چه تأثیری در فرایند بهداشت و سلامت خواهد گذاشت. آنچه به اهمیت این بحث می‌افزاید و آن را از دیگر الگوهای به‌ظاهر مشابه در تاریخ متمایز می‌سازد، نقش بدن و سلامتی آن در موضوعی است که علامه از آن به‌عنوان استكمال نفس یاد می‌کنند. در واقع، با فرض «مجرد بودن نفس» از یک سو و «مادی بودن بدن» از سوی دیگر، همواره در تاریخ، چگونگی ارتباط «امر کاملاً مادی» با «امر کاملاً مجرد» به‌عنوان مسئله‌ای بزرگ موجب شده است که سلامت نفس و بدن از گزند افراط و تفریط در امان نماند. اگر در یک سو قائلان به امر مادی پزشکی را عمدتاً در بدن خلاصه کرده‌اند، در سوی دیگر، کم نبودند از قائلان به امر مجرد که نقش بدن و سلامتی آن را دست‌کم می‌گرفته‌اند. با تبیینی که از علامه در این باره آمد، موضوع تقریر متفاوتی یافت. ایشان بدن را مرتبه‌ای از مراتب نفس می‌دانند و سلامتی بدن را به‌نحو مؤثری در کمال نفس ناطقه مؤثر ارزیابی می‌کنند و دقیقاً از همین موضع و نقش آن در سعادت انسان است که ایشان در آثار مختلف، به ارزش سلامتی بدن پرداخته‌اند. اهمیت و جایگاه این موضوع اقتضا دارد که بخش دوم مطالعه‌ی حاضر به سلامتی بدن در آثار متعدد ایشان اختصاص یابد.

۳. سلامت بدنی در آثار علامه حسن‌زاده آملی

در تعداد محدودی از آثار این دانشمند بزرگ اسلامی، به سلامت بدنی و برخی فروع آن، طب و طبابت، جایگاه و مسئولیت آن توجه شده است: سخنی در باب اخلاق پزشکی و علم تشریح از منظر علمای اسلامی (۱۰)، طب و طبیب و تشریح (۱۱)، تصحیح طب‌الائمه و رساله‌ی رابطه‌ی علم و دین (۱۲)، از این مواردند. به نظر می‌رسد اهم مطالب مرتبط با سلامت بدنی و طب در آثار علامه حسن‌زاده را بتوان در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

۱.۳. اهمیت سلامت بدنی و لزوم اهتمام به آن

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، سلامت بدنی در

در همین راستا، در ذیل عنوان جدیدی (عین فی تأثر کل واحد من النفس و البدن عن الآخر) به تأثیر متقابل نفس و بدن می‌پردازد (۳). نمونه‌های جدیدتری در این باره وجود دارد (نارویی نصرتی، رحیم ۱۳۹۷). فصل‌نامه‌ی روان‌شناسی و دین، ش ۴۱: ص ۱۰-۱۱. منصوری آرمین، دانش شهرکی حبیب‌الله ۱۴۰۱. دو فصل‌نامه‌ی علمی پژوهش‌های مابعدالطبیعی، ش ۵: (۷۲) (منابع شماره ۸ و ۹) و آنچه مهم‌تر از این تجربه‌های ثابت‌شده است، قدرت تبیینی این تز است؛ به‌طوری که این الگو نسبت به الگوهای دیگر از ظرفیت و قوت و قدرت بیشتری برای تبیین نتایج تجربی موجود مبنی بر تأثیرات بدن بر نفس، به‌ویژه اثرگذاری نفس بر بدن و همچنین، قابلیت تربیت و عینیت‌بخشی استعدادها و قوه‌های نفس برخوردار است. از این جهت، الگوی فوق در پزشکی افق‌گشایی می‌کند و تأثیرات متقابل نفس و بدن را با تأکید بر آثار طهارت نفس بر علم، تازه‌گردانی می‌کند. مهم‌تر از آن، امکان‌های جدیدی است که در پرتو این نظریه ظهور می‌کند: موضوعی که در قالب عناوینی همچون «طهارت ظاهره بر طهارت باطنه مؤثر است و بالعکس»، علامه بر آن تأکید کرده است. ایشان در همین راستا، در مقام بیان مراتب طهارت نفس انسانی، بر آن‌اند که حتی طهارت ظاهری بدن موجب اعتدال نفس می‌شود و در این باره، به اهمیت دستورات الهی و اثر وضعی موضوعاتی که در شریعت اسلامی آمده، از این منظر توجه کرده‌اند که «تا پاکی صوری و طهارت ظاهریه در بدن نمایان شود و در نفس هم رفته‌رفته خوی انقیاد و ملکه‌ی تسلیم برای اراده‌ی حق متحقق گردد» (حسن‌زاده، ۱۳۶۲: ۴۲ و ۴۳). ایشان همچنین با اشاره به تأثیر نامطلوب ناپاکی و جنابت بر روح شخص، به موضوعات و مسائلی می‌پردازد که در پارادایم کنونی دانش پزشکی، هنوز به آن‌ها توجه نشده است؛ مثل «مسئله‌ی طهارت حواس» (همان)، یعنی پاک‌بودن چشم و گوش و بینی و زبان و لمس از هرچه زائد است، اینکه حتی «طهارت صورت به حکم تبعیت عالم صور مر ارواح را در وجود و احکام مستلزم مزید رزق حسی است (همان: ۴۳)؛ بنابراین، مطالعه‌ی آثار ایشان

دو تشنه‌ی آب حیات‌اند، وجود طبیب برای بیمار به منزلت ابر رحمت برای برزگر است.»
ایشان نقش طبیب را به تداوی مصطلح محصور ندانسته، بلکه معتقدند: «سخن طبیب، بلکه نگاه و نشاط و انبساط و انقباض و دگر حالات گوناگون وی در بیمار اثر بسزا دارند» و نیز: «چاره‌ی بسیاری از بیماری‌ها تنها دارو نیست، بلکه تدبیر نفسانی طبیب حاذق و روحانیت و تأثیر کلام وی راه علاج آن است» (۱۱).

۳.۴. مبانی شناختی طب از منظر علامه حسن زاده

آملی

با استفاده از آثار علامه، می‌توان اصول و مبانی زیر را برای دستیابی به مکتب پیشگیری و درمانی مطلوب مدنظر قرار داد:

۳.۴.۱. لزوم چاره‌جویی برای بیماری‌ها

برخلاف برخی از تفکرات که انسان را محکوم طبیعت و پذیرش محتوم سرنوشت بیماری می‌دانند، ایشان با استناد به سه حدیث منقول از حضرات معصومین علیهم‌السلام، بر این اصل اساسی تأکید می‌کنند که «هر دردی را درمانی است». چنین تفکری انگیزه‌ای قوی برای شناسایی بیماری‌ها و دستیابی به پیشگیری و درمان آن‌ها و تأمین حفظ الصحة ایجاد می‌کند.

۳.۴.۲. اهتمام به آگاهی از یافته‌های علمی گذشته

و استفاده از آن‌ها

ایشان در رساله‌ی طب و طبیب و تشریح، بخشی از تاریخ طب در اسلام و ایران و نحوه‌ی انتقال آن‌ها به اروپا را نقل می‌کنند و تأکید می‌کنند: «باید انصاف داد که دانشمندان پیشین را در ترقی و تکامل علوم، حقی عظیم و اهمیتی بسزا است، چه هر سابقی معدّ و کارگشای لاحق در رشته‌های علوم است و در حقیقت، اساس و پایه‌ی طب امروز همان طب دیروزی است.» این رویکرد به‌جای انقطاع علمی و تعطیلی پزشکی روز، رویکرد هم‌افزاینده را فراروی دانش می‌گذارد.

منظر علامه، نه‌تنها از نظر تأثیر آن بر نفس، بلکه از این منظر هم شایسته‌ی توجه است که وضعیتی بسیار ارزشمند و سرمایه‌ی تحصیل سعادت محسوب می‌شود، چنانچه ایشان با اشاره به آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی مریم (وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ...) می‌نویسند: «سلام‌بودن مولود به یک معنی این است که سالم و تندرست به دنیا آید، چه سلامتی بدن برای مولود سرمایه‌ی تحصیل سعادت اوست که بدن آلت ارتباط او با سایه‌ی حقایق (اعنی عالم طبیعت) است و بدین معارفه، با احوال طبیعت جسته‌جسته تواند به باطن آن‌ها سفر کند» (۱۱).

۳.۳. نگاه جامع به سلامت

علامه حسن زاده آملی سلامت را مقوله‌ای جامع می‌شمرد، چنان‌که طب را هم به‌معنای پزشکی جسم و روح و درمان هر دو محسوب می‌کند. همچنان‌که جعل عنوان «حکیم» در پزشکی ایران پس از اسلام، تلویحاً متضمن چنین معنایی از پزشکی بود که به فیلسوفان پزشکی همچون حکیم ابوعلی سینا اطلاق می‌شد. ایشان در همین راستا، بر تأثیر و تأثر هریک از نفس و بدن در دیگری و از دیگری تأکید می‌کنند. مرحوم علامه با اشاره به دیدگاه ابن‌سینا در قانون و نیز نوشته‌ی خود در عین هشتم عیون مسائل نفس، طاعت طبیعت بدن مر ارواح نفسانی را مطلبی بسیار شایان توجه می‌دانند. همچنان‌که تأثیر سبک زندگی، به‌ویژه احوال والدین در دوران حمل و شیردهی را در سلامت فرد حائز اهمیت می‌دانند.

۳.۳. اهمیت طبابت و نقش طب

علامه حسن زاده با اشاره به اسامی خداوند (محبی)، طبیب و شافی)، پزشک را مظهر اسم شریف محبی که از اسامی بزرگ الهی است می‌شمرد و با مقایسه‌ی نقش طبیب برای بیمار و ابر رحمت برای برزگر می‌نویسند: «خدای را که به یا شافی می‌خوانی و از وی درمان می‌خواهی، چنان است که برزگر از خداوند طلب باران می‌کند. هریک از درمان و باران را اسبابی است که باید از آن اسباب خواسته هریک برآورده شود، بیمار و برزگر هر

۳.۴.۳. عدم انحصار در بهره‌گیری از مکاتب پزشکی

مرحوم علامه حسن‌زاده آملی که خود مباحث طب قدیم، از جمله قانون ابن‌سینا را فرا گرفته بود، ضمن بهره‌مندی از آن‌ها، خود را در حصار آن یافته‌ها محبوس نکرد و احترام به طب کلاسیک و دانشمندان آن در مشی ایشان به‌خوبی نمودار بود.

۳.۴.۴. درس‌آموزی از طبیعت

ایشان با بیان مصادیقی از فراگیری طب از طریق حیوانات، تأمل در مکانیسم‌های زیستی حیوانات را یکی از مسیرهای فراگیری طب می‌دانند و دستیابی انسان به اطلاعات پزشکی از روش تشریح حیوانات را یادآور می‌شوند (۱۱).

۳.۴.۵. احترام به تجربه و آزمایش

علامه حسن‌زاده نگاه پوزیتویستی به علم ندارد، در عین حال، با تأکید بر اهمیت تجربه و آزمایش، آن را می‌ستاید. ایشان در این باره می‌نویسند: «شیخ‌الرئیس (رحمه الله علیه) در چند جای طبیعیات شفا، به‌ویژه در نبات و حیوان آن، سخن از تجربه به میان آورده است. تجربه در لسان دانشمندان ستوده شده است، بدین لحاظ که بسیاری از داروها و درمان‌ها و پدیده‌های علمی از تجربه به دست آمده است» (۱۱).

۴. سبک زندگی علامه در زمینه‌ی سلامت بدنی

امروزه، به ارتباط سبک زندگی با سلامت بدنی توجه گسترده‌ای کرده‌اند و در این باره، نگارنده در مقاله‌ی دیگری به ابعاد این موضوع پرداخته است (۱۳). صرف‌نظر از کاربرد یا عدم کاربرد صریح نوشتاری یا گفتاری، اهتمام به این موضوع در سیره‌ی بسیاری از عالمان دینی، قدمت دیرینه‌ای دارد و سبک زندگی آیت‌الله حسن‌زاده آملی نیز نمود بارزی از سبک زندگی اسلامی است که بر سلامت بدنی تأثیر قطعی دارد. از آنجا که تفکیک ابعاد مختلف سبک زندگی اگر محال نباشد، به‌آسانی مقدور نیست،

برای فهم بهتر، می‌توان هر بُعد را با تمرکز بیشتر بررسی کرد. به‌عنوان نمونه، در اینجا به برخی از این موارد فهرست‌وار اشاره می‌شود:

۱.۴. سبک تغذیه

ایشان تغذیه‌ی والدین، به‌ویژه تغذیه‌ی مادر در دوران بارداری و شیردهی را در احوال و اوصاف ظاهری و باطنی طفل بسیار مؤثر می‌دانند. از لحاظ کمیت غذایی، رعایت نظم در غذاخوردن (دو نوبت در شبانه‌روز)، پرهیز از تنقلات بین غذاها، شروع غذاخوردن پس از گرسنگی (حدود یک ساعت بعد از آن) و دست‌کشیدن از غذا قبل از سیری و از لحاظ کیفیت غذا، کم گوشت خوردن و رعایت پرهیز غذایی مورد تأکید طبیب حاذق را می‌توان از مصادیق سبک غذایی مدنظر ایشان ذکر کرد (۱۱ و ۱۴).

۲.۴. آداب نکاح

به اعتقاد علامه، احوالات نفسانی، نیات والدین و نیز خیالات و تصورات ایشان در هنگام انعقاد نطفه، تأثیر خاصی در روح بخاری کودک دارد. ایشان با قبول تأثیر زمان‌ها و مکان‌ها در اعتدال مزاج نطفه، بر رعایت آداب اسلامی نکاح تصریح دارند (۱۱ و ۱۴).

۳.۴. سبک فعالیت‌های بدنی

علامه حسن‌زاده پیش از بیماری منجر به ارتحال ایشان، ورزش و پیاده‌روی روزانه را ترک نمی‌کردند. بنابه توصیه‌ی طبیب، نرمش صبحگاهی را در برنامه‌ی خود قرار داده بودند و با توأم‌کردن آن با ذکر و دعا یا اشعار حکیمانه، بهره‌ی مضاعفی می‌بردند (۱۴).

۴.۴. سبک خواب

استمرار بر سحرخیزی (سحر وقت سفر رهروان است و نسیم آن چون دم عیسوی، علاج بیماران) و رعایت اعتدال در خواب و بیداری از توصیه‌های ایشان است (۱۴).

نتیجه گیری

منظر، تحقیق حاضر بر آن است که از الگوی فوق، اجمالاً در پزشکی کنونی افق گشایی کند و تأثیرات متقابل نفس و بدن را با تأکید بر آثار طهارت نفس، تازه گردانی کند. مهم تر از آن، امکان های جدیدی است که در پرتو این نظریه ظهور می کند، موضوعی که در قالب عناوینی همچون «تأثیر طهارت ظاهره بر طهارت باطنه، نظیر مسئله ی طهارت حواس، یعنی پاک بودن چشم و گوش و بینی و زبان و لمس بر طهارت باطن و بالعکس»، علامه بر آن تأکید کرده است. پژوهش حاضر با اذعان به اجمال و نقصان موجود، بر آن است که با جلب هم فکری و تشریح مساعی اندیشمندان رشته های مختلف و مطالعات مقایسه ای حوزه های علم و دین، دستیابی به یافته های ارزشمند، به خصوص در عرصه های بین رشته ای را نوید دهد. بدین ترتیب، ضمن دعوت از علاقه مندان به دانش و معرفت به بهره گیری هرچه بیشتر از سفره ی علمی و عملی این عالم ربانی و علامه ی ذوفنون، از خداوند برای ادامه ی کمی و کیفی مطالعات مربوط مدد می طلبیم.

این مقاله با بررسی دیدگاه ها و نظرهای یکی از چهره های پرفروغ در عرصه ی نفس شناسی نشان می دهد که وجه ممتاز و متمایز نفس شناسی علامه حسن زاده آملی در نسبتی است که بین نفس و بدن برقرار می کند؛ به طوری که در نتیجه ی آن، ایشان به نحوی، استکمال نفس انسانی را تعریف می کنند که بدن یکی از عوامل کمال بخش آن است. بررسی اجمالی این موضوع از منظر دلالت های پزشکی و طب جامع، بر الگوی اصیل و بدیعی از دانش پزشکی دلالت می کند که به نحو دیالکتیک، تأثیر و تأثر متقابل نفس و بدن را در بستر حل شده ای از رابطه ی نفس و بدن قرار می دهد. این الگو با جزئیاتی که در مقاله آمده، قادر است چشم انداز جدیدی را برای دانش پزشکی ترسیم کند؛ به طوری که در این پارادایم، طب بنابر نظر علامه حسن زاده آملی، به معنای «پزشکی جسم و روح» و درمان هر دو تعریف شده و به مثابه ی رهیافت نو و تحصیل سعادت انسان محسوب می شود. از این

References

- Mohammadi Al-Rishhari M. Mizan al-Hikma. 1876.
- Nejabat Z. In the status and works of Hassanzadeh Amoli. 2021.
- Hasanzadeh Amoli H. Sarh al-Ayoun fi Sharh al-Ayun {Fi Sharh: Ayun on the problems of the soul and Sarh al-Ayun fi Sharh al-Ayun}. Bostan Kitab Publishing House. 2001.
- Descartes R. Meditations on first philosophy: with selections from the objections and replies. Oxford University Press. 2008.
- Fadae Gh. Soul according to the late Allameh Hassanzadeh Amoli. 2021. <https://www.khabaronline.ir>.
- Delir M. Anthropology of Allameh Hassanzadeh Amoli. 2021. <https://www.Dinonline.ir>.
- Hasanzadeh Amoli H. Unity from the perspective of (Islamic) gnostics and philosophers, (Islamic Gnosis -Irfan- and Wisdom -Hikmat-). Fajar Publishing House. 2001.
- Nosrati R. Explaining the Relationship between Soul and Body based on Islamic Sources (Emphasizing Mulla Sadra's View). Journal of Psychology and Religion. 2017; 41: 5-20.
- Mansouri A, Daneshshahraki H. Factors affecting the cognitive completion of the soul based on Sadrian philosophy relying on experimental findings. Journal of Metaphysical Investigations. 2022; 5: 63-82.
- Hassanzadeh Amoli H. A speech about medical ethics and dissection from the point of view of Islamic. Center for Medical Ethics Studies and Research. 1995.
- Hassanzadeh Amoli H. The book of medicine and doctor and anatomy Publisher.
- Samadi Amoli D. Description of the treatise on the relationship between science and religion. Qaem Al Mohammad Publications. 2007.
- Rabbani Khorasgani M, Beikzadeh B. The impact of lifestyle on the immune system: Focus on Islamic lifestyle: A narrative review. International Journal of Preventive Medicine. 2023; 14: 105.
- Larijani B, Zahedi F, Poorzahbi Z, Tirgar S, Mirzaei F. Great Muslim scholars' lifestyles as an approach to spiritual health: the views and practices of Ayatollah Hassan Zadeh Amoli. Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine. 2014; 7(3): 1-13.